تحلیلی بر رویکرد تفسیری محدث جزائری

محسن قاسم پور[1]

مجتبی علی اکبریان[2]

چکیده

پس از عصر نزول قرآن درتاریخ تفسیر ، شاهد بروز رویکردی هستیم که تفسیر قرآن را صرفا در بستر دانش حدیث دنبال کرده است.بر اساس این رویکرد باب نظرورزی واجتهاد در حوزه معانی قرآن ، مسدود بوده است.به همین علت بوده که شیخ طوسی از کسانی یاد می کندکه تفسیر هیچ بخشی از ظواهر قرآن را جزبه کمک خبر منقول جایز نمی شمرده اند. نشانه های آشکار حضور این جریان روایت گروی را در سده یازدهم هجری و در میان گفتمان کسانی از مکتب اخباری مانند استر آبادی ملاحظه می کنیم. شایسته یادآوری است همه وابستگان به این جریان فکری در نگاه تفسیری خود یکسان نبوده اند . یکی از این مفسران ، سید نعمه الله جزائری صاحب تفسیر عقودالمرجان است. نوشته حاضر به بررسی روش تفسیری این مفسرمی‌پردازد. این تفسیر با توجه به دیدگاه فکری مؤلف آن، در زمره تفاسیر اخباری جای می‌گیرد. وی با وجود دیدگاه اخباری، علاوه بر استفاده از احادیث معصومان ، از نظرات دیگر مفسران شیعه و سنی بهره برده و آنها را به صورت گزینشی و منتخب در ذیل آیات بیان نموده است. مفسر در پاره‌ای موارد به گزینش و یا ترجیح قولی بر قول دیگر و یا حتی ارائه نظری ذیل آیه اقدام نموده است. به همین دلیل گرچه روح حاکم بر تفسیر وی برگرفته از اندیشه های اخبار گرایانه است اما در یک بیان کلی می‌توان گفت: این تفسیر، در فرازهای گونه گون خود از مشی اخباری گری خارج شده است. استناد به سخنان مفسرانی مانند شیخ طوسی وطبرسی ویا زمخشری ودیگرانی که تفسیری متفاوت از رویکرد اخباری داشته نشانه آشکار این خروج به شمار آمده وحتی می توان گفت اقوال آن هارا که خردورزانه است تلقی به قبول کرده است.

کلیدواژه ها: تفسیر، مفسران، روش شناسی، اخباریان، سید نعمت الله جزائری، عقود المرجان

۱- نویسنده مسئول. دانشیار دانشگاه کاشان ghasempour@kashanu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه کاشان

مقدمه

سید نعمت الله جزائری فرزند عبدالله بن محمد موسوی جزائری از فقیهان و محدثان بزرگ شیعه در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در روستای صباغیه در نزدیکی شهر بصره متولد شد. وی در جزائر بصره، شیراز و اصفهان تحصیل نمود و از محضر اساتیدی چون علامه مجلسی بهره گرفت و در تألیف کتاب سترگ بحارالانوار و مرآة العقول با او همکاری داشت. سپس به شوشتر آمد و در کنار تعلیم و تدریس، منصب قضاوت و امامت جمعه را در آن دیار برعهده گرفت. (امین عاملی، ۱۰/ ۲۲٦ ؛ خوانساری، ۸ / ۱۵۱) او افزون بر مجلسی از میرزا ابراهیم فرزند ملاصدرا، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ حر عاملی نیز استفاده علمی کرد. عالمانی که از جرگه اخباریان معتدل به حساب می آیند.وی سرانجام در سال ۱۱۱۲ قمری به هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس در بین راه بیمار و در شهر پل دختر از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. (کرمی ،۱۳۸۵ دانشنامه جهان اسلام ، ۱۰/ ۲۵۰) جزائری در ابتدای کتاب انوار النعمانیه خویش، زندگی نامه خودنوشتی دارد که در سن ۳۹ سالگی به رشته تحریر در آورده و در آن به شرح وقایع زندگی خویش از سن پنج سالگی پرداخته و سیر مدارج علمی و سفرهای خود برای کسب دانش را بیان کرده است. این زندگی نامه در ابتدای کتاب تفسیر او نیز چاپ شده است.

جزائری تألیفات بسیاری در رشته‌های مختلف علمی همچون فقه، اصول فقه، ادبیات، حدیث، رجال، کلام و تفسیر دارد که تعداد آنها نزدیک به یکصد جلد می‌رسد و در مقدمه کتاب عقود المرجان به فهرست آنها اشاره شده است. از جمله این آثار می‌توان به جواهر الغوالی فی شرح عوالی اللئالی (نک : افندی، ۵/ ۲۵٤- ۲۵۵) که -با عنوان مدینه الحدیث هم از آن یاد شده است -الانوار النعمانیه در شرح احوال انسان از قبل از تولد تا پس از مرگ، غایة المرام در شرح تهذیب الاحکام شیخ طوسی، کشف الاسرار فی شرح الاستبصار و حواشی و شرح به ترتیب بر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه اشاره نمود.(برای نمونه نک : آقا بزرگ تهرانی ، ۲/ ٤٤٦؛٢٤/ ۳٦۰ ؛ ۱٦ / ۱۸- ۱۹؛مشار ، ج ٦ ستون ٦۳۰).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

عقود المرجان فی تفسیر القرآن[1] تفسیر کل سوره‌های قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه خویش بر این کتاب، در بیان انگیزه و هدف خود از تألیف این تفسیر چنین آورده : «پس از توفیق الهی در نوشتن شرح کتابهای تهذیب و استبصار و توحید صدوق و تألیف کتاب انوار النعمانیه، بار دیگر عنایت خداوند شامل حال من شد تا کتابی در تفسیر و تأویل آیات الهی، برگرفته از کلمات معصومان و نیز آرای مفسران بنویسم و امور مهم مربوط به قرائت و نکات دستوری و ادبی و ترکیب های نحوی را در حاشیه قرآن کریم بیاورم تا استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد. این شیوه، گونه‌ای شگفت و زیباست که تا کنون کسی به مانند آن انجام نداده است». (جزائری ۱/ ۲۹ و ۳۰)

وی همچنین در آخرکتاب و پس از به انجام رسیدن آن، آورده است: « از سالها پیش ذهنم به این فکر مشغول بود که بر حاشیه قرآن، مطالبی که مورد نیاز است را بنویسم و اکنون خداوند سبحان این توفیق را نصیبم کرد و این کار به گونه‌ای شگفت که هیچ سابقه‌ای در میان تألیفات متقدمان و متأخران ندارد، انجام شد. کسی که چنین قرآنی را همراه خود داشته باشد، از تمام کتب تفسیری و قرائت و مراجعه به احادیث تفسیری اهل بیت بی‌نیاز خواهد بود. چرا که من گلچینی از این کتابها را برگرفته و آورده‌ام.» (همو،۵/ ۵۱۷)

در زیر به مهم ترین خطوط در اندیشه و روش تفسیری سید نعمت الله جزایری پرداخته می شود.

۱- رویکرد اخباری جزائری و تفسیر قرآن

شاید در اینجا سؤالی در ذهن خوانندگانی که با مسلک فکری و علمی سید نعمت الله جزائری آشنا باشند، به وجود بیاید که ایشان با وجود مسلک اخباری‌گری و انتساب به

۱- این کتاب توسط موسسه فرهنگی شمس الضحی، تحقیق و تصحیح شده و در سال ۱۳۸۸ شمسی، چاپ نخست آن در پنج مجلد در قطع وزیری توسط انتشارات نور وحی وارد بازار شده است. در توضیحی که توسط گروه تحقیق در ابتدای کتاب آورده شده، آمده است: «اکثر قریب به اتفاق مطالب کتاب، توسط خود مؤلف نوشته شده و اندکی از مطالب، از غیر ایشان است که ممکن است به امر او یا پس از وی نوشته شده باشد که این موارد با علائمی در متن کتاب نشان داده شده است. دیگر آنکه مطالب و روایاتی که مؤلف در این کتاب آورده، گاه توسط ایشان تلخیص شده و گاه مضمون آنها با زیاداتی آورده شده است». (مقدمه کتاب، ص ۲۷)

اخباریان که قائل به عدم فهم ظواهر قرآن برای غیر معصومان هستند، به چه دلیل دست به تفسیر قرآن کریم زده است؟ عدم اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن وفهم آن نکته ای است که دیدگاه عمده اخباریان بدان انتساب یافته است. (استرآبادی ، ١٦٤؛ حرعاملی ، ١٨٦-١٩٥) در عین حال همه اخباریان در این مقوله همداستان نیستند .به عنوان نمونه می توان گفت در اندیشه اعتدالی یوسف بحرانی موضوع عدم حجیت ظواهر قرآنی صرفا به حوزه احکام شرعی وآیات الاحکام منحصر گردیده است. (نک : بحرانی، ۱/ ۳۲)فیض کاشانی نیز از آن دسته از عالمانی است در میان اخباریان که دستیابی به معانی استوار ظواهر قرآنی را برای عالمان میسر می داند. (فیض کاشانی،۱/ ۲۳) جزائری هم به سان یوسف بحرانی به چنین اندیشه ای متمایل است. به باور او تقسیم معانی قرآن به انواع سه گانه شامل بخش های فهم پذیر را می پذیرد. (معرفت ، ۱/ ۹۲- ۹۳)

گویی خود ایشان نیز به این سؤال توجه داشته است. چرا که در همین ابتدای کتاب به آن اشاره کرده و به عنوان دفع دخل مقدر آورده است: «بدان که ما در حاشیه قرآن، برخی از کلمات و آرای مفسران را می‌آوریم و شاید شما گمان کنید که این کار با آنچه اصحاب ما روایت کرده‌اند، منافات دارد که هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند و به سخن حق و درست هم برسد، باز خطا کرده و کارش اشتباه است.[1] تا جایی که یاران و دوستان اخباری ما بر این اعتقاد شده‌اند که تمام قرآن متشابه است و تفسیر هیچ بخشی از آن جز با حدیث و روایت جایز نیست.» (جزائری،۱/ ۲۹)

وی در ادامه گفتار خویش با استناد به دیدگاه شیخ طوسی; به پاسخ این پرسش پرداخته و گفته است: « من در پاسخ می‌گویم در این باره حق همان است که شیخ طوسی ; فرموده: روا نیست در کلام خداوند و سخنان اهل بیت تناقض باشد. خداوند در آیه ۱۹۵ سوره شعراء فرموده است: " «**بِلِسانٍ عَرَبِيٍّ مُبِين**» : این قرآن به زبان عربی آشکار است" و در جایی دیگر عدم تدبر در آیات قرآن را مذمت کرده است. همچنین پیامبر(ص) فرموده : هر گاه حدیثی منسوب به من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید.(کلینی ، ۱/ ٦٩) حال چگونه می‌توان گفت چیزی از این قرآن قابل فهم نیست؟ سپس شیخ طوسی ;، اقسام

۱ - طبرسی، ۱ / ۸۰

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

چهارگانه‌ای برای آیات قرآن برمی‌شمارد. اول آیاتی که علم آن به خداوند متعال اختصاص دارد. مانند آیه ٣٤ سوره لقمان که می‌فرماید: "**«إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»** : علم به روز قیامت تنها در نزد خداوند است". دوم آیاتی که هر کس به زبان عربی آشنا باشد، معنای آنها را می‌فهمد. مانند "**«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد»** : بگو خدا یکی است". سوم آیاتی که معنای آنها مجمل است و ظاهرشان از معنایشان خبر نمی‌دهد. مانند "**«وَ أَقِيمُوا الصَّلاة»** : و نماز را برپا دارید" که جزئیات آنها جز با سخنان پیامبر(ص) قابل فهم نیست. چهارم، گونه‌ای که لفظی مشترک بین دو یا چند معنا در آیه وجود دارد. در این موارد جایز نیست به طور قطع یک معنا از معانی مشترک را اراده کنیم مگر آنکه نصّی صریح نسبت به آن وجود داشته باشد. بنابراین نهی از تفسیر به رأی قرآن، شامل گونه اول به طور مطلق و گونه‌های سوم و چهارم در صورت اراده تفصیلی از آنها می‌باشد.» (مقدمه مؤلف، ١/ ٢٩ به نقل از طوسی)

این سخن را می توان از دو نقطه نظر مورد بررسی قرار داد: نخست آن که از یک سو می‌توان شاهدی بر درستی انتساب نظریه عدم حجیت و فهم ظواهر قرآن و جایز نبودن تفسیر دست کم به برخی از اخباریان دانست، چرا که ممکن است برخی در آن تشکیک کرده و این نسبت را نادرست بدانند.[1] ایشان خود که از معاصران اخباریان و جزئی از آنها به شمار می‌آید، بر این انتساب صحه گذاشته و آن را تأیید کرده است. این مطلب در دیگر کتب جزائری همچون منبع الحیاة نیز آمده، وی در آنجا با نقل آرای اخباریان و مجتهدان نسبت به حجیت منابع استنباط احکام، متشابه بودن همه قرآن برای غیر معصومان و عدم جواز استنباط و اخذ احکام از آن بدون مراجعه به احادیث را از جمله عقاید اخباریان نسبت به قرآن کریم برشمرده است. (جزائری،منبع الحیاة، ٤٤ و ٤٨)

این سخن همچنین نشان می‌دهد که همه اخباریان در یک سطح نبوده و از جهت فکری و مبنا با هم اختلافاتی داشته‌اند. برای نمونه خود جزائری نظر آنها را رد کرده و بر خلاف عموم اخباریان، تفسیر قرآن را نسبت به مواردی که شیخ طوسی برشمرده، جایز دانسته است. وی در کتاب منبع الحیاة نیز نفی مطلق حجیت قرآن نسبت به احکام از سوی

١ – نک: نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان، مجله حدیث اندیشه، شماره ١٣

اخباریان را نظری بدون وجه شمرده و بر وجود آیات محکم و ظاهر الدلالة در قرآن کریم تأکید نموده است. (همانجا، ٤٤)بدین سان وی ظواهر آیات قرآن وسنت را حجت می داند.(همانجا،٤٩).

به عبارتی دیگر او از زمره اخباریان نسبتاً معتدل بوده و به تعبیر مشهور، طریقه اعتدال وحد وسط را برگزیده بوده است. وی در کتابها و رساله‌های متعدد خویش به اخذ چنین مسلکی تصریح و آن را روش استادش محمد باقر مجلسی نیز ذکر کرده است. چنین می نماید که پژوهشگران بر اساس سخنان خود جزائری که به صراحت به این طریق اعتدالی وپرهیز از تندروی های دیگر اخباریان ، اذعان کرده چنین برداشتی از رویکرد اعتدالی او دارند. (برای نمونه نک :جزائری ، غایه المرام ،١/ ٢، ٤٠/ ١٤٠)او در توضیح طریقه اعتدالی، آن را اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن در تشریع معرفی نموده که نه مانند طریق مجتهدان اصولی است که در استنباط احکام به قواعد و استدلالهای عقلی تکیه زده‌اند و نه مانند اخباریانی همچون محمدامین استرآبادی که هرگونه استنباط مبتنی بر قواعد ظنی را انکار کرده و عمل به ظواهر قرآن را از مصادیق آن شمرده‌اند. (دانشنامه جهان اسلام، ١٠/ ٢٥١).

٢-منابع تفسیر جزائری

مفسر برای تألیف این اثر هم از منابع متعدد روایی بهره برده وهم از منابع ومتون تفسیری. روایاتی که در این تفسیر آمده، گاه از منابع معتبر همچون کتاب کافی-به مثابه منبعی از منابع معتبر امامیه- ، و گاه از منابعی با اعتبار کمتر همچون تفسیر علی بن ابراهیم قمّی است. در مجموع می‌توان روایات این کتاب را برگرفته از منابعی مثل الکافی، علل الشرایع، تفسیر قمّی، تفسیر نور الثقلین، معانی‌الاخبار، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، الخصال، الاحتجاج، التهذیب، عیون اخبار الرضا (ع) و ... دانست.

وی همچنین در تفسیر خود از منابع تفسیری متعدد و گوناگون شیعی و سنی همچون مجمع البیان، تفسیر الصافی، تفسیر العیاشی، التبیان شیخ طوسی، تفسیر غرائب القرآن نیشابوری، تفسیر البیضاوی، الکشاف، التیسیر و ... بهره برده است. اما بیشتر مباحث ادبی و اعرابی آیات را از تفسیر کشاف زمخشری و عمده نظرات تفسیری ناظر به محتوای آیات را از تفاسیر مجمع البیان و بیضاوی و مواردی هم از تفسیر صافی نقل قول نموده است. وی در تفسیر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

آیات الاحکام از کتاب مسالک الإفهام از جواد بن سعید معروف به فاضل جواد از عالمان سده یازدهم استفاده زیادی برده و در مواردی عین نصوص آن را آورده است.

آشکار است مفسری مانند وی در تبیین آیات الهی خود را منحصر در اقوال صرف روایی نکرده واز آراء دیگر مفسران که به شیوه ایی جامع وفراگیر در تفسیر قرآن بهره گرفته اند، استفاده کرده است. این نگاه به منابع تفسیری به خصوص مفسرانی مانند شیخ طوسی و یا زمخشری ونیشابوری او را از دیگر مفسران اخباری متمایز کرده است. به بیان دیگر،این رویکرد تفسیری نمی تواند نسبتی با عدم اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن که باور افراطی گروهی از مفسران اخباری است ، داشته باشد.

۲-۱- نحوه استناد به منابع توسط مؤلف

در ارتباط با استناد به منابع، چنین باید گفت که مؤلف در مواردی اندک، نامی از منابع و مآخذی که روایات یا نظرات مفسران را از آنها نقل کرده، برده است و در اکثر موارد از این موضوع مهم غفلت ورزیده و ذکری از این منابع به میان نیاورده است. یکی از کارهای اصلی محققان این اثر، یافتن منابع این تفسیر اعم از روایات و آرای مفسران بوده که مؤلف از آنها استفاده نموده است که در این کار توفیق نسبتاً شایانی به دست آورده‌اند و غالب این منابع شناسایی شده و در پاورقی به آنها اشاره شده است.

به عنوان نمونه، جزائری در ابتدای سوره آل عمران پس از اشاره به فضیلت و اهمیت تلاوت این سوره، در تفسیر آیات «**الم * اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ** » آورده است: «روی عن ائمتنا أن الحروف المقطعة في أوائل السور من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها غيره. و عن الشعبيّ قال: لله في كل كتاب سرّ و سره في القرآن حروف التهجّي في أوائل السور.» (۱/ ۲۸۲)

وی در ادامهٔ تفسیر حروف مقطعه با استناد به روایتی از امام صادق (ع)، به نوعی تفسیر حروفی از آن ارائه کرده و درباره قرائت و فراز دیگر آیه گفته است: «عن الصادق (ع) و اما "الم" فی آل عمران فمعناه: أنا الله المجيد. قرأ ابوجعفر بسكون الميم و قطع همزة "الله" و الباقون موصولا و بفتح الميم. "الحي القيوم" عن ابن عباس أنه اسم الله الاعظم و هو الذی دعا به آصف بن برخيا في حمل عرش بلقيس.» (همانجا)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، مؤلف برای روایات و نیز نقل قولهایی که از کتب مفسران در اینجا آورده است هیچ منبعی ذکر نکرده، اما با مصدریابی این اقوال توسط محققان این تفسیر، مشخص شده که روایت مذکور درباره حروف مقطعه و کلام شعبی در این موضوع و نیز نظر بیان شده پیرامون نوع قرائت آیه و معنای "**الحی القیوم**"، برگرفته از تفسیر مجمع البیان (۱/ ۱۱۲ و ۲/ ٦٩٤) و روایت مذکور از امام صادق (ع)در معنای "الم" از کتاب معانی الاخبار (ص۲۲) می‌باشد.

۲-۲- شیوهٔ استفاده از منابع در عقود المرجان

شیوه مؤلف در نقل روایات و کلمات دیگر مفسران به این ترتیب است که در برخی موارد، عین روایت یا آرای مفسران را آورده و در بعضی موارد، مضمون و محتوای آنها را به صورت خلاصه نقل کرده است. در مواردی نیز این کار به صورت بیان چکیده انجام شده که موجب دشوار شدن یافتن منبع آنها بر محققان اثر گشته است. از باب نمونه با نظر به مطلب پیش گفته از مؤلف پیرامون آیات ابتدایی سوره آل‌عمران و رجوع به منابع اصلی آنها روشن می‌شود که مؤلف، روایات و نظرات مفسران را به صورت گزینشی و گاه با نقل به مضمون آورده است.

در تفسیر مجمع البیان در ابتدای سوره بقره و بیان معنای حروف مقطعه آن، آمده است : «أنها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو هذا هو المروي عن أئمتنا. و روت العامة عن أميرالمؤمنين (ع)أنه قال إن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي. و عن الشعبي قال: لله في كل كتاب سر و سره في القرآن سائر حروف الهجاء المذكورة في أوائل السور و فسرها الآخرون على وجوه.» (طبرسی، ۱/ ۱۱۲)

اما جزائری مؤلف تفسیر عقود المرجان، عباراتی که زیر آن خط کشیده شده را به صورت گزینشی برای حروف مقطعه در ابتدای سوره آل عمران آورده است.

همچنین روایتی که از معانی الاخبار نقل شده، به این صورت در آن کتاب آمده است: « عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّعِيدِ الثَّوْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع): يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ الم وَ المص وَ الر وَ المر وَ كهيعص وَ طه وَ طس وَ طسم وَ يس وَ ص وَ حم وَ حم عسق وَ ق وَ ن. قَالَ (ع): أَمَّا الم فِي

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

أَوَّلِ الْبَقَرَةِ فَمَعْنَاهُ أَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ وَ أَمَّا الم فِي أَوَّلِ آلِ عِمْرَانَ فَمَعْنَاهُ أَنَا اللَّهُ الْمَجِيدُ وَ المص ...» (صدوق، معانی الاخبار، ۲۲)

چنانکه مشاهده می‌شود، مؤلف تنها بخش مربوط به معنای "الم" در ابتدای سوره آل عمران را به طور گزینشی در معنای این آیه نقل کرده است.

در مورد نظر ارائه شده پیرامون نوع قرائت آیه هم در تفسیر مجمع البیان چنین آمده است: «القراءة : قرأ أبو جعفر و الأعشى و البرجمي عن أبي بكر عن عاصم، الم الله بسكون الميم و قطع همزة الله و قرأ الباقون موصولا و بفتح الميم و روي في الشواذ عن عمر بن الخطاب و ابن مسعود و إبراهيم النخعي و الأعمش و عن زيد بن علي بن الحسين و عن جعفر بن محمد الصادق و عن النبي (ص) الحي القيام و روي عن الحسن الإنجيل بفتح الهمزة.» (طبرسی ۲/ ٦٩٤)

که صاحب عقود المرجان، قسمتی را که زیر آن خط کشیده شده به صورت خلاصه و حذف بعضی کلمات آورده است. معنای "**الحی القیوم**" هم که جزائری بلافاصله بعد از این مطلب آورده، در تفسیر مجمع البیان، در دو صفحه بعد و به این صورت آمده است: «المعنى: إن الله تعالى لما ختم سورة البقرة بذكر التوحيد و الإيمان افتتح هذه السورة بالتوحيد و الإيمان أيضا فقال «الم» و قد ذكرنا الاختلاف فيه و في معناه و في محله في أول سورة البقرة «**اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**» و قد ذكرنا ما فيه في تفسير آية الكرسي و روي عن ابن عباس أنه قال «**الْحَيُّ الْقَيُّومُ**» اسم الله الأعظم و هو الذي دعا به آصف بن برخيا صاحب سليمان (ع) في حمل عرش بلقيس من سبإ إلى سليمان قبل أن يرتد إليه طرفه ... » (همو، ۲/ ٦٩٦)

که باز هم بخشی از آن انتخاب شده و در تفسیر عقود المرجان در ذیل آیه دوم آل عمران بیان شده است. این سبک و شیوه را می‌توان در تفسیر تمام آیه‌ها و سوره‌های این کتاب مشاهده نمود. یعنی بیان روایات و آرای مفسران به صورت نقل قول کامل یا گزینشی و خلاصه شده، بدون هیچ شرح و توضیحی از سوی خود مؤلف که غالب این موارد نیز بدون ذکر منبعِ استفاده شده می‌باشد.

۳- چگونگی تفسیر به مأثور در عقود المرجان

با نظر به مطالب بیان شده، نقل روایات از منابع مختلف در تفسیر آیات، از اجزاء اصلی روش تفسیری مؤلف می‌باشد. اما نکته قابل توجه در این‌باره آن است که سند هیچ یک از این روایات، در این تفسیر نیامده است. با بررسی اسناد روایات به کار رفته در عقود المرجان، مشخص می‌شود که برخی از این احادیث، معتبر و از نظر سندی صحیح هستند و برخی ضعیف و موارد اندکی هم نادرست و احتمالا مجعول به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه مصادیقی از این موارد را از نظر می‌گذرانیم.

۳-۱- نمونه احادیث معتبر

۳-۱-۱- نمونه اول :

مؤلف در ذیل آیه ۱۷ از سوره آل عمران : «**الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقانِتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحار**»در تفسیر استغفارکنندگان در وقت سحر، روایتی را از امام صادق (ع) از کتاب الخصال محدث شهیر شیخ صدوق ; بدین صورت نقل کرده است: «عن الصادق (ع) : مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ربّی وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ هُوَ قَائِمٌ فَوَاظَبَ عَلَى ذَلِكَ سَنَةٌ كُتِبَ عندَ اللَّهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحارِ وَ وَجَبَتْ لَهُ الْمَغْفِرَةُ مِنَ اللَّهِ تعالى» (همانجا،۱/ ۲۹۱)

این روایت که بدون سند نقل شده، در کتاب الخصال با سند زیر وجود دارد: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً ....» (صدوق، ۲/ ۵۸۱)

با مراجعه به کتب رجالی و جستجو در احوال راویان، مشخص می‌شود که این حدیث از نظر سندی صحیح و معتبر می‌باشد. (نک :خویی، شماره‌های ۹۲۸، ۱۲۰۰٤، ۸۹۸، ۳۰۷۰ و ۸۸۱۷)

۳-۱-۲- نمونه دوم :

از جمله احادیث صحیح این تفسیر، روایتی است که مؤلف در ذیل آیه ۱۷ سوره نساء : «**إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولئِكَ يَتُوبُ**

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كانَ اللَّهُ عَليماً حَكيماً » از امام صادق (ع)و به نقل از کتاب معتبر کافی و البته بدون ذکر سند آورده است:

«عن الصادق (ع) : إِذَا بَلَغَتِ النَّفْسُ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ لَمْ يَكُنْ لِلْعَالِمِ تَوْبَةٌ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّمَا التَّوْبَة...الآية» (همانجا، ۱/ ٤٢٨)

سند این روایت در کتاب کافی چنین است : عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... (کلینی، ۱/ ٤٧)

با مراجعه به کتب رجالی مشخص می‌شود که راویان این حدیث نیز همگی ثقه هستند و این روایت هم صحیح و معتبر می‌باشد. (نک : خویی ، شماره‌های ۷۸۱٦، ۳۳۲، ۱۰۰۱۸ و ۲۳٦۱)

۳-۲- نمونه احادیث ضعیف

۳-۲-۱- نمونه اول :

جزائری در ابتدای سوره حمد در رابطه با «**بسم الله الرحمن الرحیم**» چند روایت نقل نموده که یکی از آنها روایت ذیل می‌باشد:

" قال الصادق (ع) : أكتب البسملة من أجود كتابتك و لا تمدّ الباء حتى ترفع السّين" (همو،۱/ ۳۲)

این روایت نیز که از کتاب کافی نقل شده از سند ذیل برخوردار است:

عِدَّة مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ سَيْفِ بْنِ هَارُونَ مَوْلَى آلِ جَعْدَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) ...(کلینی ، ۲/ ٦۷۲)

با توجه به بررسی احوال راویان این حدیث در منابع رجالی، مشخص می‌شود محمد بن علی که در این سند وجو دارد، مشهور به ابو سمینه و دارای جرح است و فردی بسیار ضعیف و فاسد الاعتقاد شمرده شده (خویی ، شماره ۱۱۲۵۹؛۱٦/ ۲۹۷) از این رو حدیث فوق از جهت سندی، ضعیف به شمار می‌آید.

۳-۲-۲- نمونه دوم :

همچنین در ذیل آیه «**يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ ...**» که آیه ٦۷ سوره مائده است، مؤلف چندین روایت آورده است. از جمله روایتی که در ظاهر بر تحریف قرآن دلالت دارد:

« و فی کتاب الاحتجاج عن الباقر (ع) أن الآية هكذا نزلت : **يا أيها الرسول بلّغ ما أنزل إليک فی علیٍّ (ع) و إن لم تفعل فما بلّغتَ رسالته ...**» (ابو منصور طبرسی ،۱/ ٦۲۰)

این روایت هم با توجه به متن آن که مخالف با عقیده عموم مسلمانان به خصوص عالمان شیعی (نک : حسینی میلانی ، ۹- ۲۵) مبنی بر عدم نقصان و زیادت در قرآن است، روایتی نامعتبر و یا حداقل قابل تأویل می‌باشد. . به باور استاد معرفت آغاز گر اصلی بحث از تحریف قرآن در قرون اخیر برخی روایات استفاده شده توسط همین جزائری در کتاب منبع الحیاه اوست.(معرفت ، ۱۵۸).

بنابراین همان طور که از این موارد مشاهده شد، روایات ذکر شده در این تفسیر، همگی بدون سند، گاه از منابع معتبر و صحیح و گاه از غیر آنها و از جملهٔ احادیث ضعیف می‌باشند.بدین سان تفسیر عقود المرجان جزائری هم چون دیگر تفاسیر روایی دیگر از آفت و آسیب روایات ضعیف وسست وناستوار مصون نمانده است.

٤- اجتهادات تفسیری جزائری

کاربست این عنوان در خصوص یک تفسیر روایی و محدث و عالمی که به جرگه مفسران اخباری منسوب است می توان از اعتبار وجایگاه استواری برخوردار باشد. به بیانی ساده تر آیا یک عالم اخباری هرچند دارای مشی ایی اعتدالی را می توان در حوزه تفسیر قرآن دارای اجتهاد ونظر ورزی به حساب آورد. به کار گیری چنین انگاره ای در باره چنین مفسری دور از انتظار نیست. چنان که در میان اهل سنت نیز چنین انگاره ای برای برخی نظیر محمد بن جریر طبری به کار رفته است. زیرا طبری هم در جاهایی در تفسیر خود دارای آراء اجتهادی است .مانند گزینش او در مباحث لغوی وبرخی نظریات در حوزه قرائت . به همین ترتیب می توان گفت ،روش جزائری در ارائه تفسیر آیات گاهی اجتهادی است. روش وی ابتدا این گونه است که در آغاز هر سوره، روایاتی درباره فضیلت و ثواب تلاوت آن می‌آورد و سپس به ترتیب آیات، به تفسیر آنها با اولویت سخنان و کلمات معصومان می‌پردازد. به این

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

صورت که اگر روایتی در مورد محتوا و مضمون آن آیه وجود داشته، ابتدا آنها را نقل کـرده و در ادامه برای تفسیر فرازها و عبارات آیات از سخنان و نظرات دیگر مفسران بهره برده اسـت. پس از آن وی در موارد بسیار اندکی، پس ا ز نقل روایات یا کلمات مفسران، به اظهـار نظـر پیرامون آیات یا مطالب نقل شده پرداخته است. با بررسی تعداد این موارد که دربردارنده رأی و نظری از مؤلف بوده، در کل جلد اول که شامل پنج سوره ابتدایی قرآن کریم و دربردارنـده ۷۹۰ آیه است، حدود هشتاد مورد اظهار نظر از مؤلف مشاهده می‌شود کـه غالبـا بـا کلمـهٔ "اقول" یا "الظاهر" همراه است و این موارد نیز عمدتا در قالب جمـلات و سـطور محـدودی می‌باشند. به عبارتی در ذیل حدود ده درصد آیات از ایـن پـنج سـوره، اجتهـادات تفسـیری جزائری دیده می‌شود که در ذیل به صورت مصداقی به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

٤-١- اظهار نظرهای مستقل

٤-١-١- نمونه اول :

از جمله آرای اجتهادی جزائری در تفسیرش، سخن او در تفسیر آیه ١٤٤ از سوره آل عمران : « **وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ مـاتَ أَوْ قُتِـل ...**» و در توضـیح عبارت «**أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِل**» می‌باشد. او بعد از بیان نظرات دیگر مفسران پیرامون ایـن آیـه، آورده است: «أقول: یجوز أن یکون الترديد و الإبهام بين الموت و القتـل إشـارة إلـی مـا ورد علی النبی (ص)و کان سببا لموته و ذلک أنه سـقی السّـم مـرتين. أحـدهما: مـا سـقته إيـاه اليهودية الخيبرية ... ؛ ممکن است ترديد و ابهامی که در آيه درباره شهادت يا مـرگ طبيعـی رسول خدا (ص)بيان شده، اشاره به جريانی باشد که برای ايشان واقع شـد و مرگشـان را بـه دنبال داشت. چرا که دو مرتبه به پيامبر (ص)سَم خورانده شد. اول توسط يک زن يهـودی از قبيله خيبر ...» (١/ ٣٧١)

که این اظهار نظر درباره مفاد یک آیه به گونه مستقل اگر چه به صورت احتمـالی، تفسـیری اجتهادی تلقی می‌شود.

٤-٢-١- نمونه دوم :

جزائری گاه بعد از نقل روایاتی در تفسیر آیات، نسبت به آن روایت اظهار نظری کرده است. همچون آیه ۲۵ سوره بقره که در توضیح کلمه "خالدون" به حدیثی از امام صادق (ع) درباره علت خلود اهل جهنم در آتش و اهل بهشت در بهشت اشاره کرده که سـبب آن، نیت‌هـای آنان در انجام دائمی اعمال نیک و بد عنـوان شـده اسـت. (کلینـی ، ۲/ ۸۵) سـپس اضـافه نموده: « أقول: هذا الحديث اشارة الی معنی آخر لقوله (ع) نية المؤمن خير من عمله و نيـة الكافر شر من عمله (همو، ۲/ ٨٤) ؛ جزائری گفته است :به عقیده من این حدیث اشاره بـه معنای دیگری از سخن پیامبر (ص) دارد که نیت مؤمن برتر از عمل او و نیت کـافر بـدتر از کردار اوست.» (۱/ ۵۳)انتخاب وگزینش حدیث در تبیین مفهوم خلود ونسبت آن بـا نیـت ، از نکاتی است که هرچند به طورنسبی ، هم که شده جزائری در تفسیر آیه فـوق از آن بهـره گرفته است.

٤-١-٣- نمونه سوم :

همچنین جزائری در تفسیر آیه ٢٦١ از سوره بقـره : «**مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ في سَـبيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ في كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّة ...**» حدیثی از مفضل به نقل از امام صادق (ع)بدین صورت آورده است:

«عن المفضل قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله «**كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ**» قال: الحبة فاطمة و السبع السنابل سبعة من ولدها سـابعهم قـائمهم، قلـت: الحسـن؟ قـال: إن الحسن إمام من الله مفترض طاعته و لكن ليس من السنابل السبعة. أولهم الحسين و آخرهم القائم ...» (عياشی سمرقندی ، ١/ ١٤٧)

این روایت، هفت سنبله یا خوشه گندم را به هفت فرزند از ذریه حضرت فاطمه تطبیق کـرده که هفتمین آنها امام قائم (ع) خواهد بود. روشن است که این معنا با روایات دیگـر سـازگار نیست چرا که در آنها امام قائم، امام دوازدهم معرفی شده که دهمین فرزند حضرت فاطمـه می‌شود. از این رو جزائری بعد از نقل این روایت گفتـه اسـت: «أقـول: يمكـن تأويـل هـذا الحديث و حمله علی حذف المكرر من أسمائهم ؛ می‌توان این روایت را تأویل نمود و آن را بر حذف اسامی تکراری از نام ائمه حمل نمود.» (جزائـری ، عقودالمرجـان،۱/ ۲۵۳) ایـن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

شیوه رویکرد حدیثی و رویگردانی از معنای ظاهری وتمایل به تاویل آن از مولفه های اجتهادی هرچند محدود در تفسیر به شمار می آید.

٤-۲- ترجیح یکی از اقوال به مثابه دیدگاه تفسیری مؤلف

در میان اظهار نظرهای مؤلف در تفسیر آیات، مواردی مربوط به ترجیح یکی از اقوال مطرح شده به چشم می‌خورد.. این موارد درست همان مواضعی است که به نظر می آید وی از مشی اخباری در تفسیر قرآن خارج شده است. برخی نمونه ها شایسته ذکر است :

٤-۲-۱- نمونه اول:

برای مثال ایشان در تفسیر آیه چهارم از سوره مبارکه حمد، آورده است: « "**مالک یوم الدین**" قرأ عاصم و الکسائی و خلف و یعقوب : "مالک" بالالف و الباقون: "ملک" بغیر ألف. و ذکر المفسرون فی ترجیح کل من القرائتین وجوها کثیره. والظاهر أن ملکه سبحانه و مالکیّته متلازمان و الوارد فی الأخبار لفظ المالک و به ترجیح قراءة الألف ؛ عاصم و کسائی و یعقوب کلمه مالک را با الف و دیگران بدون الف قرائت کرده‌اند و مفسران در ترجیح هر یک از این دو قول، وجوه بسیاری گفته‌اند. اما ظاهر آن است که مُلک و مالکیت خداوند متعال با یکدیگر تلازم دارند. از سویی در روایات نیز لفظ مالک وارد شده، بنابراین قرائت این کلمه با الف ترجیح خواهد داشت.» (همو ،۱/ ۳۳)

همانگونه که ملاحظه می‌شود مؤلف پس از بیان دو قول درباره قرائت کلمه "مالک"، یکی از آن دو را ترجیح داده و به عنوان نظر خود اعلام کرده است.

٤-۲-۲- نمونه دوم:

مثال دیگر در این رابطه، آیه ۳٤ سوره بقره است. مرحوم جزائری پس از نقل اختلاف نظر درباره ماهیت ابلیس که آیا جزء فرشتگان بوده یا خیر، به نظر شیخ طوسی و شیخ مفید دراین باره اشاره می‌کند که اولی معتقد به فرشته بودن او و دومی قائل به جن بودن او هستند. سپس با ترجیح نظریه تعلق او به جنّیان می‌گوید: «و الحق أن الأخبار الدالة علی أنه من الجن متظافرة و ما عارضها سبیله إما الحمل علی التقیة أو علی ضرب من التأویل ؛ حق این است که اخبار و روایاتی که می‌گویند شیطان از طایفه جن بوده، متظافر هستند. اما روایاتی

که غیر از این مضمون را بیان کرده‌اند یا باید حمل بر تقیه کرد و یا باید آنان را به نوعی تأویل نمود.» (همو،۱/ ٦۰)

٤-۳- رد اقوال، جلوه‌ای دیگر از اجتهادات تفسیری جزائری

یکی دیگر از مصادیق آرای اجتهادی مؤلف در ذیل آیات، رد قول یا اقوال دیگران است.

به عنوان نمونه وی در تفسیر آیه ۱۲ از سوره آل عمران : « **قُلْ لِلَّذِینَ کَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلی جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهادُ** » و در توضیح عبارت "و تحشرون" ابتدا سخن زیر را از فاضل نیشابوری نقل کرده است:

«این آیه می‌تواند مستندی برای کسانی باشد که قائل به جبر و تکلیف ما لایطاق هستند. زیرا خداوند در این آیه به گونه خبری بیان داشته که کافران به سوی جهنم محشور خواهند شد. بنابراین اگر این کافران ایمان می‌آوردند، این خبر دروغ می‌شد. در واقع برای اینکه سخن خداوند دروغ و نادرست از کار درنیاید، کافران مجبورند که کافر بمانند و ایمان نیاورند.» (همو ،۱/ ۲۸۸)

سپس در رد سخن نیشابوری به وجوه سه گانه زیر استدلال نموده: «أقول: الجواب عنه بوجوه. أولها: أنه من باب ما تستهدیه إلی الطریق الواضح فتقول له إن مصیرک إلی جهنم. مریدا أنه إن بقی علی ما هو فیه و هذا شائع فی المحاورات و ثانیها: أنه إنما أخبر عنهم بعد أن لزمتهم الحجة واختارو الکفر و ثالثها: أنه إخبار عن علمه القدیم المتعلق بأحوالهم ؛ من می‌گویم پاسخ سخن او را به چند وجه می‌توان داد. اول آنکه این سخن مانند آن است که تو به کسی که قصد هدایت او را داری، بگویی عاقبت تو جهنم است! در حالیکه منظور تو آن است که اگر بر همان گمراهی باقی بماند، این گونه خواهد شد و این نوع گفتگو در محاورات امری شایع است. دوم آنکه خداوند بعد از اینکه حجت بر آنان تمام شده و آنان کفر را انتخاب نمودند، این خبر را درباره آنان بیان داشته است. سوم آنکه این سخن به علم قدیم خداوند درباره احوال کافران اشاره دارد.» (همان)

با بررسی دیگر نظرات تفسیری مؤلف، شاید بتوان بر این اقسام افزود ولی به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

۵- نتایج مقاله

پس از بیان روش تفسیری مؤلف در ارائه تفسیر و نحوه استناد و استفاده او از منابع و نیز ارائه نمونه‌هایی در این مورد، در یک جمع بندی می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱- دقت در نظرات مطرح شده در ذیل آیات و توجه به منابع آنها که محققان اثـر در پـاورقی خاطرنشان کرده‌اند، گویای آن است که مؤلف در فرازهای گوناگون تفسیر که وجه غالب آن را تشکیل می‌دهد، نظر و رأی جدیدی در مورد آیات و تفسیر آنها نداده است. بلکه گلچینی از روایات تفسیری و نظرات دیگر مفسران را از کتب آنان، در ذیل آیات به صورت خلاصه و چکیده نقل کرده است. در واقع می‌توان هنر مؤلف را در گزینش و انتخـاب و نقـل نظـرات دیگران دانست نه آرای تفسیری مستقل و ارائه آنها به مخاطب.

البته این چیزی است که خود مؤلف نیز به آن اذعان داشته و در ابتدا و انتهای کتاب خود، به آن متذکر شده که قصد نوشتن تفسیری بر حاشیه قرآن از احادیث تفسیری و کلمات مفسران را داشته است.

۲- اما این یادآوری سبب نمی‌شود که نقد وارد بر آن مبنی بر عدم ارائه نظراتی از خود مؤلف در تفسیر آیات، رنگ ببازد. چرا که بنابر ملاحظات این زمان نمی‌توان چنین کتـابی را اثـری پژوهشی و تألیفی نو نامید مگر از جهت قالب و شکل ارائه آرای مفسـران گذشـته بـه طـور مختصر، همان گونه که مؤلف در مقدمه به بدیع بودن اثرش از این جهت اشاره نموده است.

۳- با توجه به دیدگاه فکری و علمی مؤلف که او را در زمره اخباریـان قـرار می‌دهـد، جـای تعجب نیست که در هیچ یک از روایاتی که در این تفسیر بیان شده، اثری از ذکر سـند دیـده نمی‌شود. چرا که غالب اخباریان تسامح زیادی در پذیرش روایات دارند و وجود یک روایت در منابع حدیثی به خصوص کتب اربعه را دلیل بر درستی و صحت آن می‌دانند و اعتقـادی به بررسی سندی آنها ندارند. اما امروزه ضرورت بررسی سندی و متنی یک روایت به عنـوان پیش شرطی برای پذیرفتن آن، امری مسلم و روشن بـه شـمار می‌آیـد. از ایـن رو بایـد ذکـر

روایات بدون سند در این تفسـیر را یکـی از نقـاط ضـعف آن بـه حسـاب آورد و آن را وجـه مشترک این تفسیر با غالب تفاسیر مفسران اخباری مسلک دانست.

٤- تصریح به ارائه روایات تفسیری و کلمات مفسران به طور گزینشی و خلاصه که از سوی مؤلف در مقدمه و خاتمه کتاب بیان شده، نمی‌تواند دلیل یا توجیه قانع کننده‌ای بر عدم ذکر منابع مورد استفاده توسط وی باشد. گو اینکه این کار بر حاشیه قرآن انجام شده است. چـرا که اتقان و اعتبار یک اثر بسته به منابع مورد استناد آن است و نام نبردن از آنهـا، خواسـته یـا ناخواسته بر صحت و اعتبار آن خدشه وارد می‌سازد. بنابراین عدم ذکر منابع در اکثـر قریـب به اتفاق موارد، از دیگر نقاط ضعف این تفسیر می‌باشد.

۵- بیان نکات ادبی، اختلاف قرائات، مباحث اعتقادی بـه خصـوص ذیـل آیـات ولایـت و پرداختن به نکات فقهی در ذیل آیات الاحکام را که برگرفته از نظرات مفسران پیشـین اسـت باید از نقاط قوت و امتیازات این تفسیر برشمرد. از این نظر که رویکـرد تفسـیری وی را بـه طورکلی در گفتمان اخباری گری تشکیل می دهد.

٦- آنجه که این تفسیر را با دیگر تفاسیر اخباری هرچند به طور نسبی متمایز می کنـد ورود به حوزه هایی اجتهادی ونظر دهی توسط مفسر است. تاثیر برخی اساتید ماننـد فرزنـد مـلا صدرا و یا بهره گیری از کسانی مانند محمد بـاقر مجلسـی وفـیض کاشـانی در ایـن نحـوه رویکرد تفسیری بی تاثیر نبوده است..

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- آقا بزرگ تهرانی ، محمد محسن ، الذریعه الی تصانیف الشیعه ، چاپ علی نقی منزوی واحمد منزوی ، بیروت: ۱٤۰۳ق.

۳- آرمیون، محمد رضا، نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان، مجله حدیث اندیشه، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش.

٤- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، چاپ اول،قم: انتشارات اسلامی، ۱٤۰۳ ق.

٥- همو، الخصال، چاپ اول،قم، انتشارات اسلامی، ۱۳٦۲ ش.

٦- استرآبادی ، محمد امین بن محمد شریف ، الفوائد المدنیه ، قم: چاپ رحمه الله رحمتی اراکی ، ۱٤۲۲ ق.

۷- امین، محسن، أعیان الشیعه (۱۲ جلدی)، چاپ اول،بیروت: دار التعارف، ۱٤۰۳ ق.

۸- افندی اصفهانی ، عبد الله بن عیسی ،ریاض العلماءوحیاض الفضلاء قم: چاپ احمد حسینی ، ۱٤۰۱ق.

۹- بحرانی ، یوسف ، الحدائق الناظره ، قم: موسسه النشر الاسلامی ، ۱٤۱٤ق.

۱۰- جزائری، سید نعمت الله، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: انتشارات نور وحی، ۱۳۸۸ ش.

۱۱- همو، منبع الحیاة فی حجیة قول المجتهد من الاموات، چاپ دوم، قم: موسسه اعلمی،۱٤۰۱ ق.

۱۲- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.

۱۳- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار الشیعه، ۱۳٦۹ ش.

۱٤- حداد عادل ،دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره المعارف اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ش.

۱۵- طبرسی، ابو منصوراحمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول،مشهد: نشر مرتضی، ۱٤۰۳ ق.

۱٦- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۷- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱٤۰۹ق.

۱۸- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۱۹- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیرالصافی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱٤۰۲ق.

۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم،تهران: دار الکتب الاسلامیه،۱٤۰۷ق.

۲۱- معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن من التحریف ، چاپ اول ،قم، ۱٤۱۰ق.

۲۲- همو ، محمد هادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب ، آستان قدس رضوی، ۱٤۱۸ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.3.9]